



## یادداشت

### تاسیس بازار چه های مرزی همه وعده قالیباف به مردم کردستان!

#### صادق کار



سه شنبه این هفته سردار محمد باقر قالیباف رئیس مجلس فرمایشی مورد عنایت ویژه علی خامنه‌ای که بدون اطلاع قبلی به کردستان سفر کرده بود با مردمی روبرو شد که نه برای استقبال از او بلکه برای شکایت از وضعیت خودبه سراغ او آمده بودند. در صحنه‌های کوتاهی که در یکی از کانال های تلویزیون حکومتی پخش شد مردمی دیده می شدند که همه تقریباً بدون استثنا از بیکاری و کولبری، نبود کار و کارخانه و فقر شکوه و شکایت داشتند. اما قالیباف هیچ تفحه‌ای برای مردم با خود نیاورده بود که بلکه گره‌ای از کار آنها بگشاید!

خبر گزارى مجلس نیز در گزارش کوتاهی که از سفر قالیباف به بانه در ۱۹ اسفند منتشر کرد نوشت: "رئیس مجلس شورای اسلامی در این نظارت میدانی گفت وگوهای متعددی با کارگران در خصوص مشکلات و نحوه پرداخت حقوق به آنها داشت" این خبرگزارى نیز در گزارش مربوط به رئیس مجلس نه اشاره روشنی به خواسته های کارگران به قالیباف نمود و نه چیزی در مورد پاسخ قالیباف به کارگران نوشت.

قالیباف در مقام ریاست مجلس حتی از اینکه به کولبران بگوید از رفقای پاسدار خود خواهد خواست که از مزاحمت و کشتار کولبران دست بردارند و بگذارند آنها نان روزانه خانواده های شان را حداقل خودشان تامین کنند خود داری کرد و عملاً نشان داد که حاضر به چنین توصیه‌ای نیست.

او که نه جوابی برای شکایات مردم داشت و نه با طرح و برنامه‌ای به کردستان سفر کرده بود تنها به دادن وعده ساختن بازارچه های مرزی که سالهاست مسئولین متعدد دیگری نیز وعده تاسیس آن را داده بودند اکتفا کرد. در قسمتی از گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی که با او مصاحبه کوتاهی در مورد سفرش به کردستان انجام داده بود نیز چون به نظر می رسید چیزی برای گفتن ندارد، هدف از سفرش را نظارت بر اجرای برنامه‌های اعلام کرد که در مجلس و دولت تصویب شده‌اند. اما رئیس مجلس نامی از برنامه های که برای نظارت بر انجام آنها آمده بود نبرد. استاندار کردستان نیز که قالیباف را همراهی می کرد کلمه‌ای در مورد برنامه ها و طرح های دولت در کردستان به زبان نیاورد. از همین رو به نظر می رسد که دولت و مجلس طرح و برنامه عمرانی معینی برای عمران و ایجاد اشتغال و کاستن از فقر مردمی که از طریق کار پر خطر و طاقت فرسای کولبری به زحمت امرار معاش می کنند ندارند. و اگر طرحی هم داشته باشند طرحهای پرهزینه سرکوبگرانه است که بجای عمران



و ایجاد اشتغال ویرانی بیکاری، سرکوب و فقر می آفریند و زندگی را بر مردم کردستان سال به سال تلختر و دشوارتر می کند. در واقع حاکمستان ز میان کوه و دره سپاه پاسداران است که قتل و سرکوب و ایجاد رعب و ترس را راه حل همه مشکلات می داند و دهها سال است که در کردستان حکومت می کند ولی در این مدت به غیر از کشتار کولبران زحمتکش و مردم عادی کار دیگری برای مردم نکرده است در این مدت اگر اشتغالی هم ایجاد شده به همت مردم منطقه بوده است که آن هم با گذشتن از هفت خوان پاسداران انجام شده و به اندازه‌ای نیست که بتواند پاسخگوی بخش کوچکی از نیاز مردم باشد. امنیتی کردن منطقه و حضور پاسداران به تنهایی برای فراری دادن کسانی که بخواهند در منطقه سرمایه گذاری نمایند کافی است. دولت نه خود در کردستان سرمایه گذاری می کند و نه زمینه آن را برای دیگران آماده می کند. در عوض سالیانه مبالغ هنگفتی را صرف بودجه نظامی و امنیتی می کند. اگر این بودجه ها از اول تا کنون بجای تجهیز نیروهای سرکوبگر صرف امورات عمرانی و ایجاد کارخانه و اشتغال می شد، به یقین کردستان اینک جز پر رونقترین و آرام ترین مناطق کشور می بود. اما متأسفانه اینک آمار بیکاری در کردستان به حدی رسیده که بنا به برخی آمارها ۱۸۰ هزار نفر از مردم از طریق شغل پر درد و رنج و خطرناک کولبری امرا ر معاش می کنند و حتی تعدادی از زنان محروم فاقد شغل و درآمد نیز از روی ناچاری به کولبری روی آورده‌اند. تصاویری که از زنان و مردان کولبر گاهها در رسانه ها منتشر می شوند که در حال بردن بار هایی هستند که دو برابر وزن خودشان وزن دارند. انسان با مشاهده آنها حیران می ماند که آنها چگونه می توانند کیلومترها این بارها را در سرما و گرما از میان کوه و دره به مقصد برسانند! صحنه هایی که وجدان هر انسانی را به درد می آورد. متأسفانه تعداد زیادی از کولبرانی که در اثر برف و بوران و سقوط از باریک راه های صعب ال عبور و یا توسط ماموران مرزی و امنیتی کشته یا علیل می شوند بسیار بالاست. با این همه ظلم و ستم که بر مردم کردستان اعمال می شود چگونه می شود انتظار داشت که عده‌ای از آنها علیه این ستمها نشورند. حال که دهها سال سرکوب مردم کردستان نتوانسته است مردم مبارز و حق طلب را وادار به دست کشیدن از مبارزه کند، آیا وقت آن نرسیده که حکومت سخن گفتن با مردم را جایگزین گلوله کند و حقوق آنان را به رسمیت بشناسد؟



**به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!**



## افول نئولیبرالیسم: نمایشنامه در سه پرده بخش چهارم

## فردناندو روگیتسکی



پرده دوم: سیاسی

بحران جهانی، ویژگیهای محلی

حال که جنبه های اقتصادی بحران را، ولو به اختصار، بررسی کردیم، باید به جنبه های سیاسی آن بپردازیم. موج اعتراضات جهانی، که از اوایل سال ۲۰۱۱ بپاخاست و در خلال چند سال به نابودی برخی از احزاب سانتریست انجامید، گویای این نکته بود که بحران اقتصادی به بحران مشروعیت فرارفته است. نانسی فریزر (Nancy Fraser) در این باره تأکید می کند که باید بین سیاستهای نئولیبرالی و هژمونی نئولیبرالی تمایز قائل شد. در حالی که سیاستهای نئولیبرالی همچنان اعمال می شوند (یا تا انفجار پاندمی اعمال می شدند)، هژمونی لیبرالی به پایان خود رسیده است. او می نویسد: "نئولیبرالیسم به عنوان یک پروژه هژمونیک خاتمه یافته است؛ ممکن است ظرفیت خود را برای سلطه حفظ کرده باشد، اما توان خود را برای اقناع از دست داده است"

اگرچه این بحران هژمونی ابعاد جهانی دارد، اما منطقی است که بر ویژگیهای سه رأس الگوی مثلثی مکتب کنیم. مرکز زلزله بحران سیاسی در کشورهای مولد تقاضا، یعنی آمریکا و اروپای غربی، قرار داشت. در این کشورهاست که تضعیف احزاب سانتریست همانا قطبیت در ساختار طبقاتی آنها را، که روندی جاری از دهه ها پیش بوده است، آشکار می کند. ظهور نئولیبرالیسم امکان تصرف سهم فزاینده ای از درآمدها را برای ۱٪ بالائی جامعه و همزمان انتقال تولید به "کشور-کارگاه" های جدید جهان فراهم کرد؛ روندی که به حذف مشاغل واسطه، تمرکز طبقه کارگر در صنایع با خطر بیشتر، کاهش دستمزدها و ناامنی اقتصادی بالاتر منجر شد. بنا به نظر جرارد دومنیل و دومینیک لوی (Gérard Duménil and Dominique Lévy) "نئولیبرالیسم مناسبات سرمایه داری را واضحتر و خواناتر کرده است".

تمرکز قدرت اقتصادی در آمریکا در دهستان ۱ درصد بالائی همچنین با تمرکز قدرت سیاسی، با ضعیف شدن قوانین دموکراتیک در اثر سقوط محدودیتهای مداخله شرکتها در کارزارهای انتخاباتی (در پی رأی دادگاه عالی در پرونده شهروندان متحد در برابر کمیسیون انتخابات فدرال) و با اشاعه استراتژیهای ناظر بر سرکوب حق رأی،



همراه شد. چنان که میلانویچ (Milanovic) می نویسد "گرایش به سوی بروز توانگرسالاری (plutocracy) است". در اتحادیه اروپا استراتژی غالب برای مهار نارضایتی اکثریت بزرگ جامعه نه تضعیف تأثیر این اکثریت بر حکومت، بلکه تقلیل نقش حکومت‌های ملی در سیاست، و الزام آنها به پیشبرد سیاست‌های نئولیبرالی ای بود که در اتحادیه به عنوان یک کل اعمال شدند و هرگز مورد حمایت مؤثر شهروندان قرار نگرفتند. به علاوه همیشه امکان نشان دادن تکنوکرات‌های همخط نظم مستقر به جای حکومت‌ها وجود داشت؛ امکانی که در فاصله سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ در ایتالیا و یونان از آن بهره گرفته شد. البته این گونه مسخ نهادهای دموکراتیک در هر دو سوی اقیانوس اطلس شمالی بدون مقاومت پیش نرفت و آلترناتیوهای متعدد، هم از چپ و هم از راست، بحران هژمونیک را آشکار کرد.

در رأس سوم مثلث، یعنی در کشورهای صادرکننده کالاهای اولیه، ویژگی‌های روندی که به بحران سیاسی در کشورهای امریکای جنوبی انجامید - و بخشی بود از آنچه به اصطلاح "جزر و مد صورتی" نامیده شد - قابل توجه است. انتخاب چپ دولتهای میانه (به ترتیب زمانی در ونزوئلا، برزیل، آرژانتین، اروگوئه، بولیوی و اکوادور) در دهه ای که به بحران ۲۰۰۸ ختم شد، خود نتیجه ضعیف شدن هژمونی نئولیبرال در منطقه بود. چندی از این دولتها سیاست‌های نئولیبرالی را تماماً ترک کردند، اما تمرکز آنها بر سیاست‌های بازتوزیعی، همراه با انتقال ساختارهای تولیدی شان در پیوند با آثار حضور اقتصاد چین در منطقه، ساختارهای طبقاتی آنها را به طریق متفاوتی تحت تأثیر قرار داد. با وجودی که در این کشورها، مواردی از کاهش مشاغل صنعتی با دستمزدهای خوب مشاهده شدند، اما پدیده غالب در آنها پدیده "زنگ زدگی" نبود. مهمترین تحول در این کشورها گذار بخش بزرگی از طبقه کارگر از موقعیت ناامن تر به موقعیتهای با امنیت اقتصادی بیشتر بود؛ چیزی که می توان آن را جذب بخشی از "زیر پرولتاریا" توسط پرولتاریا دانست، با این تصریح که مرزبندی بین این دو گروه در اثر بی ثباتی مناسبات کار رسمی به شدت لغزان شده است.

در برزیل، افزایش درآمد فقیرترین گروه‌ها - که در اساس نتیجه سیاست افزایش حداقل دستمزد بود که توسط دولت‌های لولا دا سیلوا از حزب کارگر به صورت پرداخت رایانه مشروط نقدی به اجرا گذاشته شد - امکان تنوع در الگوی مصرف را فراهم آورد. کالاهای وارداتی (به ویژه از چین) و گسترش خدمات اساسی داخلی پاسخگوی این تنوع بود. این روند به نوبه خود بر بازار کار تأثیر گذاشت و ترکیب اشتغال در بخشهای مختلف اقتصاد را به گونه ای تغییر داد که نابرابری دستمزدها کاهش یافت. به این ترتیب، یک روند انباشتی (نوعی ضد معجزه اقتصادی) مشاهده شد که در آن کاهش نابرابری دستمزد و تغییر در ترکیب مشاغل در بخشهای مختلف اقتصاد متقابلاً یکدیگر را تقویت کردند.

منبع :

ژورنال برزیلی اقتصاد سیاسی، دسامبر ۲۰۲۰

## بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



## شورای عالی کار و تکرار بازی فریبکارانه گذشته در رابطه با تعیین دستمزد

صادق



اعتراضات برای افزایش دستمزد که از آغاز سال گذشته در پی بازی فریبکارانه شورای عالی کار و مانورهای نمایندگان تشکلهای حکومتی در این شورا برای جا انداختن تداوم سیاست انجماد مزدی زیر خط فقر تشدید شده بود، طی سال جاری نیز ادامه یافت و در ماه های اخیر به اوج خود رسید. پیوستن بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی به مبارزه برای افزایش حقوق بازنشستگی و همچنین معلمان غیر رسمی، پرستاران شرکتی و دیگر گروه های مزدبگیر به این حرکت، مطالبه افزایش دستمزد را به یک خواست فراگیر در کشور تبدیل نمود.

دولت که از این تغییر و تحول دچار نگرانی شده بود کوشید با انجام اقداماتی در میان این حرکت تفرقه بیندازد و مانع ادامه آن گردد.

اجرای تبعیض آمیز قانون همسان سازی که ۱۱ سال مسکوت مانده بود از جمله اقدامات تفرقه افکنانه دولت در این راستا بود که صفوف بازنشستگان دولتی و تامین اجتماعی را از هم جدا نمود. این ترفنداما آنطور که دولت از آن انتظار داشت نتوانست مبارزه برای افزایش دستمزد را دچار اختلال جدی نماید. تبعیض در واقع خود به محرک نیرومندی جهت تشدید و رشد مبارزات تبدیل شد. افزایش شدید تورم و قیمتها نیز به نوبه خود در فشرده تر شدن صفوف و گسترش اعتراضات کسانی که در این حرکت شرکت داشتند گردید. دولت که سالها از اجرای همسان سازی حقوق های کارمندان و بازنشستگان طفره می رفت در اثر همین اعتراضات مجبور به عقب نشینی های معینی از مواضع خود شد. با این همه خبرهای منتشر شده از جلسات شورای عالی کار که وظیفه تعیین دستمزد را به عهده دارد نشان می دهد که دولت و کارفرمایان هنوز با وجود این همه اعتراض برای افزایش دستمزد مایل به پایان دادن به سیاست انجماد دستمزدی تا کنونی شان نیستند. آنطور که از اظهارات منتشر شده آنها بر می آید، نهایت افزایش دستمزدی که آنها در نظر گرفته اند حتی کمتر از نرخ تورم رسمی و جعلی خودشان است.

ظاهرا پیشنهاد کارفرمایان افزایش ۳۴ درصد به پایه دستمزد است و بقیه آئیم های مزدی مانند حق اولاد، بن و بقیه را شامل نمی شود. در صد مد نظر دولت همان ۳۴ درصد کارفرمایان و تعمیم آن به دستمزد همراه با آئیم های مزدی است و نمایندگان تشکل های حکومتی از اعلام درصد خودداری نموده و به گفته علی خدایی



خواستار افزایش یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان به دستمزدهای فعلی برای حداقل دستمزد شده‌اند. با این حساب معلوم می‌شود که حداقل دستمزد سال آینده حول و حوش ۴ میلیون تومان باشد. این در حالی است که قبلاً در شورای عالی کار هزینه سبد معیشت بخور و نمیر خانوار حدود ۷ میلیون در نظر گرفته شده که البته حدود نیمی از خط فقر است. به فرض محال اگر با درخواست نمایندگان تشکلهای حکومتی موافقت شود در آن صورت نیز حداقل دستمزد سال آینده کمتر از هزینه سبد حداقل معیشت خودشان است. و این در شرایطی است که تشکل‌های مستقل کارگری خواستار افزایش دستمزد به ۱۲،۵ میلیون بر اساس برآورد هزینه‌های زندگی توسط اقتصاددانان مستقل شده‌اند. پیداست که دولت و کارفرمایان با در نظر داشت توازن قوای کنونی با این رقم به هیچ وجه موافقت نخواهند کرد. به احتمال زیاد نظر به مانورها و اقدامات سازمان‌های کارفرمایی در مورد دستمزد و ارائه طرح‌هایی مانند منطقه‌ای نمودن دستمزد، پرداخت دستمزد کمتر به کارگران مجرد و توافقی نمودن دستمزد میان کارگران و کارفرمایان که در واقع چیزی غیر از سپردن اختیار تعیین دستمزد به کارفرمایان نیست، عاملی که موجب موافقت کارفرمایان با افزایش ۳۴ درصدی حداقل دستمزد گردیده وجود اعتراضات کارگری است. در مورد دولت نیز همین قضیه می‌بایست عمل کرده باشد. یعنی در واقع اعتراضات کارگری تا حدودی تاثیر گذاشته‌اند، اما نه آن اندازه که بتواند سیاست انجماد دستمزدی دولت و نئولیبرال‌های اقتصادی را در هم بشکند. برای در هم شکستن این سیاست ظالمانه و غیر انسانی که برای کسب سود بیشتر از همه وسایل بهره می‌جویده طبقه کارگر نیاز به سطح عالیتری از مبارزه و سازمانیابی دارد

در سالجاری خوشبختانه جنبش کارگری به صورت جدی تری این ضرورت را در اثر و در طی مبارزات اعتراضی خودباز شناخت و در این مسیر گام‌هایی به جلو برداشت و با تشدید مبارزات و همگرایی و حرکات مشترکی که میان گروه‌های مختلف جنبش کارگری صورت گرفت جهت حرکت آتی خود را معین کرد. تشکیل تعداد دیگری تشکل مستقل با مواضع روشن مبارزاتی از موفقیتهای مبارزات سال ۹۹ و حاکی از رشد آگاهی طبقاتی در میان بخش‌های مختلف جنبش مزدبگیران است. که نمی‌توان منکر اثرات مثبت آنها در حال و آینده شد. با این اوصاف این حد از سازمانیابی برای عملی کردن مطالبات به ویژه افزایش دستمزد و تامین امنیت شغلی که مهمترین عرصه پیکار میان کارگر و سرمایه دار است کافی نیست. تا رسیدن به آن مرحله باید بپذیریم که راه سختی در پیش است که ما ناگزیر به پیمودن آن تا به آخر هستیم. در هر کجای جهان که کارگران و زحمتکشان وضعیت و شرایط بهتری از ما دارند آن را با مبارزه و سختی فراوان به دست آورده‌اند. در هیچ جای جهان زحمتکشان بدون مبارزات پیگیری و سازماندهی خود در اتحادیه‌های نیرومند و احزاب کارگری نتوانسته‌اند به حق و حقوق خود ولو به صورت نسبی دست بیابند. در ایران نیز محال است که بدون سازمانیابی و مبارزه موثر زحمتکشان بتوانند مطالبات خود را هر چقدر هم که به حق باشند عملی کنند. تجربه جنبش کارگری در کشور خودمان نیز بر این واقعیت صحه می‌نهد. حتی حفظ دستاوردهای مبارزاتی نسل‌های گذشته نیز بدون داشتن تشکل نیرومند و مستقل طبقاتی ممکن نیست. این نه یک تحلیل بلکه واقعیتی است که در عمل آنرا ما خودمان در کشورمان تجربه کرده‌ایم. پس بحث‌ها در مورد مسائل حاشیه‌ای را کنار بگذاریم و بیایید مشترکاً وقت و انرژی و امکانات مان را روی هم بگذاریم و در خدمت این هدف قرار دهیم.

**خصوصی سازی را متوقف کنید!**



## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

## جنگ کارگری



## تظاهرات خیابانی تشکل های مستقل کارگری برای افزایش دستمزد

تظاهرات گسترده کارگران، بازنشستگان و معلمان در ۱۷ اسفند از جهات بسیاری مهمترین رویداد کارگری هفته بود. این تظاهرات که در بیش از ۲۰ شهر بزرگ کشور به دعوت تشکل های مستقل کارگری و با خواست افزایش واقعی دستمزد و حقوق های بازنشستگی و یک رشته مطالبات عاجل دیگر برگزار شد، در تهران با یورش وحشیانه پاسداران سرمایه مواجه شد و تنی چند از شرکت کنندگان در این همایش مسالمت آمیز بازداشت شدند. با این همه قرق محل برگزاری توسط ماموران مسلح سرکوب و یورش به شرکت کنندگان در آن نتوانست از وزن و تاثیر این همایش مردمی بکاهد و مانعی بر سر راه تداوم اعتراضات این چینی بوجود آورد. این اعتراضات یقیناً تا زمانی که زحمتکشان به مطالبات برحق. در شان برسند تداوم خواهند داشت زیرا انگیزه زحمتکشان برای شرکت در آن بسیار قوی است تشکل های برگزار کننده این تظاهرات در پایان با انتشار یک قطعنامه ۸ موردی علاوه بر افزایش دستمزد سایر مطالبات خود را نیز مطرح نمودند.

## تجمع سراسری کارگران قراردادی صنعت نفت

دومین رویداد مهم کارگری هفته تجمع سراسری کارگران قراردادی صنعت نفت مقابل مجلس بود که خواسته اصلی شرکت کنندگان در آن نیز افزایش دستمزد، اجرای درست طبقه بندی مشاغل و از میان برداشتن تبعیضات مزدی میان کارگران قراردادی و رسمی شاغل در شرکت های نفتی است. در واقع افزایش دستمزد مطالبه اصلی و حلقه وصل اصلی اعتراضات کارگری در مقطع کنونی است. تبعیض مزدی میان کارگران رسمی و غیر رسمی ترفندی حساب شده توسط مسئولین حکومتی و کارفرمایان به منظور ایجاد شکاف در میان جنبش کارگری و جلوگیری از همبستگی میان کارگران و استثمار مضاعف اکثریت کارگران است که با قراردادهای موقت استخدام می شوند. در حال حاضر کمتر از ۵ درصد کارگران داری قرارداد رسمی هستند. دولت و کارفرمایان در واقع با



این ترفند دستمزد ۹۵ درصد از کارگران را تا ۳۰۰ درصد کاهش می دهند و سود خود را بهمین نسبت بالا می برند. کارگران رسمی باید از برابر حقوقی کارگران قرارداد موقت و مبارزات آنها برای رفع تبعیضات مزدی و شغلی حمایت کنند زیرا این مبارزات بطور غیر مستقیم موقعیت آنها را نیز تقویت می کند و کارگران قراردادی هم باید به شکلی مطالبات شان را پیگیری کنند که دولت و سرمایه داران نتوانند از آن سئو استفاده نموده و آنرا به وسیله تشدید تفرقه بین کارگران رسمی و قراردادی نمایند. لغو قرارداد های موقت باید به خواست همه کارگران اعم از رسمی و غیر رسمی درآید و مبارزه مشترک حول آن انجام شود و گر نه همین ۵ درصد کسانی که هنوز رسمی هستند در آینده تبدیل به کارگران قراردادی خواهند شد. کما اینکه تا کنون نیز این روند جاری بوده است.

اعتصاب دوباره کارگران ابنیه فنی راه آهن در چند شهر

یکی دیگر از اعتصابات مهم هفته اعتصاب کارگران ابنیه فنی راه آهن در لرستان و زاگرس، ورامین، نورآباد اراک، خط پنج متروی تهران و کرج با خواست پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده و عیدی و افزایش دستمزد بود. بنا به برخی گزارشات تأیید نشده ظاهراً در لرستان بخشی از بدهی مزدی و عیدی کارگران به آنها پرداخت گردیده. یکی از مهمترین مطالبات کارگران ابنیه فنی راه آهن استخدام رسمی توسط شرکت راه آهن سراسری است. بطور کلی وقوع اعتصابات وسیع و همزمان در مناطق مختلف نشان از رشد مبارزات و آگاهی طبقاتی و همگرایی فزاینده میان کارگران و درک ضرورت آن دارد.

تجمع کارگران شرکتی برق سراسری مقابل مجلس

صدها کارگر شرکتی شاغل در صنعت برق در این هفته از شهرهای مختلف برای اعتراض به دستمزد اندک و تبعیض شغلی و تبدیل قرارداد های شان به رسمی راهی تهران شدند تا با تجمع در مقابل مجلس اعتراض خود را نسبت به شرایط شغلی و مزدی شان اعلام و خواهان تصویب تبدیل قراردادهای خود در مجلس شوند. در واقع اعتراض علیه قراردادهای موقت از مدتی پیش به مانند مطالبه افزایش دستمزد به یک خواست سراسری در سراسر کشور بین کارگران تبدیل گردیده و عدهی کمی از کارگران برق موسوم به (کلاه زردها) توانسته‌اند در اثر یک رشته اعتصابات سازمان یافته و فشرده به خواست خود برسند. کارگران به درستی قراردادهای موقت را اساس تبعیضات شغلی و مزدی و نداشتن امنیت شغلی می دانند و بهمین جهت به جد برای از میان برداشتن این قراردادها که در زمان دولت روحانی بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته هستند.

تجمع کارگران فضای سبز در بندرعباس

در ۲۰ اسفند کارگران فضای سبز بندرعباس در اعتراض به پرداخت نشدن حق اولاد و دستمزد های روز جمعه شان در مقابل ساختمان سیما در بندرعباس تجمع کردند.

کارگران معترض می گویند در اثر قطع دستمزد روزهای جمعه و حق اولاد دستمزدهای ماهانه شان بین ۶۰۰ تا ۱،۲ میلیون کاهش داده شده. خواست آنها پرداخت آنها اعلام شده

شایان ذکر است که کاهش دستمزدها از طریق قطع برخی از مزایای قانونی مزدی مدتی است که در میان تعدادی از شرکتهای پیمانکاری باب گردیده است. اما اینکه دستمزد یک روز کارگر را کم کنند به نظر می رسد باب جدیدی است که این شرکت گذاشته است. اگر کارگران تن به آن بدهند بزودی رویه خواهد شد و در شرکتهای





دیگر هم رواج خواهد یافت کار در روز جمعه اضافه کاری محسوب می شود و باید طبق قوانین موجود به کارگر بابت آن اضافه کاری پرداخت شود. از این گذشته کارگر باید حداقل یک روز در هفته مرخصی با حقوق داشته باشد نه اینکه هفت روز هفته را وادار به کار شود و سلامتی و استراحت اش آسیب ببیند.

ادامه اعتراضات کارگران در پارس جنوبی

کارگران پیمانی (ارکان ثالث) در پالایشگاه های پارس جنوبی بار دیگر نسبت به عدم اجرای طبقه بندی، تبعیضات مزدی و شغلی، دستمزد اندک و محرومیت های ناشی از رسمی نبودن در ۲۰ اسفند اعتراض و مطالبات و انتظارات خود از مسئولین را در نامه ای به اطلاع آنها رساندند. شایان ذکر است که پیش از این نیز کارگران پیمانی پارس جنوبی با انجام چند تجمع و اعتصاب خواسته های خود را مطرح و از مسئولین قول مساعد گرفته بودند. با این حال مسئولین تا کنون به خواسته های کارگران توجه ای نکرده اند. بهمین جهت شروع یک اعتصاب تازه در منطقه محتمل به نظر می رسد

اعتراض کارگران پتروشیمی به اجرا نشدن پروتکل های کرونایی

کارگران پتروشیمی تخت جمشید در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر نسبت به رعایت نشدن پروتکل های کرونایی که باعث ابتلای تعدادی از همکاران آنها به کرونا شده اعتراض و خواستار اجرای کامل آنها شدند. به گفته کارگران کارفرما به دلیل اینکه نمی خواهد نیروی کار مورد نیاز شرکت را استخدام کند، از اجرای پروتکل های کرونایی نیز طفره می رود و با کار اضافی از کارگران و عدم رعایت پروتکل ها در پی سود بیشتر است. به گفته یکی از کارگران مراجعات مکرر آنها به مدیران شرکت برای رعایت پروتکل ها تا کنون بی اثر مانده اند.

ادامه اعتراضات کارگران آبدار در کهگیلویه

اعتراضات کارگران بلاتکلیف مانده کهگیلویه و بویر احمد نسبت به بلاتکلیفی شغلی و پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان در ۸ ماه گذشته همچنان ادامه دارد. در ۱۷ اسفند آنها بار دیگر مبادرت به تجمع نمودند و خواستار پرداخت مطالبات مزدی پرداخت نشده خود و رفع بلاتکلیفی شغلی خود شدند. کارگران می گویند خانواده های شان مشکل شدید معیشتی دارند و نمی دانند با ندادن دستمزدهای شان طی ماه های متوالی چگونه باید معیشت خانواده هایشان را تامین کنند. نه اداره کار و نه مسئولین دیگر نهادهای دولتی تا کنون اقدامی برای رسیدگی به وضعیت کارگران نکرده اند. مراجعه چندی پیش دستجمعی آنها به مجلس نیز ثمری در بر نداشته است.

تجمع کارگران شهرداری در اهواز

اعتراضات کارگران شهرداری نسبت به پرداخت نشدن منظم و به موقع دستمزدها، اندک بودن دستمزد و در اختیار نداشتن وسایل بهداشتی و ایمنی مناسب و کافی در شهرهای مختلف همچنان ادامه دارند و با نزدیک شدن عید این اعتراضات نیز شدت گرفته اند. در این هفته کارگران شهرداری اهواز که بخاطر نگرفتن دستمزد و عیدی از لحاظ اقتصادی تحت فشار شدید قرار دارند و مراجعات شان برای پرداخت طلب مزدی شان بی ثمر مانده است مجبور به اعتراض شدند. متأسفانه وضعیت اینطور می نماید که دستمزد

های بسیاری از کارگران تا قبل از عید به آنها پرداخت نشوند



## پایان اعتصاب غذای اسماعیل عبدی

اسماعیل عبدی از رهبران سرشناس و بنیانگذاران کانون سراسری صنفی معلمان ایران، که مدتی پیش دوباره هنگام مراجعه به دادسرا برای تجدید مرخصی پزشکی خود به زندان برگردانده شده بود، و از ۱۷ تا ۲۰ اسفند در اعتصاب غذا به سر می برد، پس از موافقت زندانبانان با رفع موانعی که بر سر راه تماس وی با خانواده اش بوجود آورده بودند به اعتصاب خود خاتمه داد. به گزارش خبرگزاری هرانا که این خبر را منتشر نمود.

اسماعیل عبدی در تاریخ ششم تیرماه ۱۳۹۴ زمانی که برای پیگیری علت ممنوع الخروج بودن خود به دادسرای اوین مراجعه کرده بود پس از ساعت ها بازجویی، بازداشت شد. وی پس از گذشت ۶ ماه از بازداشت در اسفندماه همان سال توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به اتهام تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی به شش سال حبس تعزیری محکوم شد.

گفتنی است که دلیل واقعی بازداشت و محکومیت این فعال سندیکایی بر خلاف اتهامات جعلی کلیشه‌ای بی دادگاه حکومتی، فعالیت صنفی و نقش برجسته آقای بخشی در سازماندهی کانون سراسری صنفی معلمان و تسلیم ناپذیری وی در مقابل زورگویی و ستمگری دستگاه قضایی و دولت و حکومت و بخاطر دفاع از حق، عدالت و آزادی است.

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در**

**آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**



**دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!**